

قانون حمایت از سرمایه گذاران و اصلاح حسابداری شرکت های سهامی عام

قانون سارینز - آکسلی

همایون مشیرزاده

تاخت و تاز این سوداگران تازه وارد در بازار سرمایه مبدل گشت.

رویاهای دهه ۱۹۹۰ میلادی با آغاز سال ۲۰۰۰ به یأس تبدیل شد. سرمایه گذاران دریافتند که یک حساب مالی در بازار سهام به وجود آمده و افشای مشکلات مالی انرون^۲ ضربه کوچکی بود که به ترکیدن این حساب انجامید. در پی این فاجعه، بازار سرمایه شاهد سقوط قیمت سهام شرکت های دیگری بود که هم چون قطعات بازی



مقدمه

سال های پایانی دهه ۱۹۹۰ میلادی به لحاظ تاریخی از جمله ادوار نادری است که در هر نسل شاید یک بار بیش تر پیش نیاید. رشد و توسعه اقتصادی همراه با نوآوری در استفاده از فناوری، گسترش شتابان تعداد کاربران شبکه جهانی اطلاعات و ظهور سایر امکانات ارتباطی (آن چه عموماً فناوری اطلاعات^۱ خوانده می شود)، میلیون ها نفر از افراد عادی در سراسر جهان را که عموماً فاقد دانش سرمایه

گذاری و تجارب تجاری بودند، به دنیای سرمایه گذاری کشاند. در نتیجه تعداد بی شماری از این سوداگران بی تجربه و تازه کار، صاحب میلیون ها دلار ثروت گردیدند و بسیاری هم در این بازار بی رحم متحمل زیان های وحشتناک شدند. در چنین شرایطی، نظام حسابداری و گزارشگری مالی به جای آن که در جهت انضباط مالی و ایجاد بینش لازم برای سرمایه گذاری مورد استفاده قرار گیرد، عملاً به محدودیتی برای

دومینو^۳ یکی پس از دیگری فرو می افتادند.

شرکت های صاحب نامی هم چون آدلفیا^۴ و تای کو^۵ یادآور فرار مالیاتی آل کاپون شدند. داستان های مفاسد حسابداری شرکت های معروف به صفحات اول روزنامه ها و مجلات رسید. نام هایی از قبیل ای-او-ال تایم وارنر^۶، رایت اید^۷ و زیراکس^۸ در این ماجراها سر زبان ها افتادند. ماجرای انرون و بسیاری از رسوایی های حسابداری، بیانگر

ایالات متحده و حتی تاریخ دنیا بی سابقه بود، سرانجام در سال ۲۰۰۲ میلادی به تدوین قانونی در آمریکا منجر شدند که از آن با نام **قانون ساربینز-آکسلی**^{۱۱} یاد می‌شود؛ نامی که متأثر از تهیه‌کنندگان آن، سناتور پال ساربینز^{۱۲} و نماینده کنگره مایکل آکسلی^{۱۳} است. هدف اصلی این قانون که نام دیگر آن **قانون حمایت از سرمایه‌گذاران و اصلاح حسابداری شرکت‌های سهامی عام**^{۱۴} است، تقویت حاکمیت شرکتی^{۱۵} و بازسازی اعتماد سرمایه‌گذاران بود. دامنه قانون یادشده بسیار گسترده و فراگیر بوده و موجب ارتقا یا ایجاد استانداردهای حرفه‌ای جدید برای اعضای هیئت مدیره و مدیران شرکت‌ها و مؤسسات حسابرسی شده است.

ویژگی‌های قانون

برپایه قانون ساربینز-آکسلی، استانداردهای جدیدی برای کمیته‌های حسابرسی تعریف شده و مجازات‌های جزایی برای مدیران خلاف کار پیش‌بینی شده است. به علاوه، قانون مزبور استانداردهای جدیدی را نیز برای ضوابط استقلال حساب‌رسان شرکت‌ها تبیین کرده است. بر این اساس، **مدیران ارشد مالی**^{۱۶} و **مدیران ارشد اجرایی**^{۱۷}، باید بیانه‌های مبنی بر صحت فرایندهای حسابداری شرکت خود و هم‌چنین مطلوب، مناسب و کامل بودن موارد افشا در یادداشت‌های پیوست صورت‌های مالی ارائه نمایند. ارائه اطلاعات نادرست در این خصوص تا پنج میلیون دلار جریمه و ۲۰ سال زندان به همراه دارد. به علاوه، مدیران شرکت‌ها حق ندارند تحت هیچ شرایطی حساب‌رسان شرکت را با هدف ارائه اطلاعات نادرست و گمراه‌کننده تحت فشار قرار داده یا به هر شکل و به هر نحو موجبات گمراهی آن‌ها را فراهم کنند. این در حالی است شرکت‌ها موظف به افشا و ارائه اطلاعات کامل در خصوص **رویدادهای برون‌ترازنامه‌ای**^{۱۸} شده‌اند. این قانون بر برخی مفاهیم قبلی کنترل‌های داخلی تأکید داشته و میان **کنترل‌های حساب‌داری**^{۱۹} و **کنترل‌های گزارشگری**^{۲۰} شرکت تفکیک و تمایز قائل شده است. این سیستم‌ها باید فراگیر بوده، مستند سازی شده و تحت نظارت دائم باشد.

به موجب مفاد این قانون، **هیئت نظارت بر حسابداری شرکت‌های سهامی عام**^{۲۱} که تحت نظارت کمیسیون بورس و اوراق بهادار^{۲۲} قرار دارد تشکیل شده تا فعالیت

حساب‌آرایی و پنهان کردن واقعیات، فقدان انضباط مالی، تخلفات و حتی تقلب و کلاه‌برداری بودند. بسیاری از مشکلات شرکت‌های یاد شده در روال عادی و روزمره کار مؤسسات به وجود آمده بودند شاید در شرایط دیگر، حتی امری عادی در تجارت محسوب می‌شدند. با این حال، افراد فاقد تخصص کافی در حسابداری و مدیریت، تفاوتی بین این موارد قائل نبودند. این‌ها کسانی بودند که سرمایه‌های کلانی را از دست داده بودند. ماجراهایی مثل **انرون** به خودی خود فاجعه محسوب می‌شدند، اما در همین حال بسیاری از رویدادهای بعدی و رسوایی‌های مالی بقیه شرکت‌ها، موجب بزرگ‌نمایی آن‌ها شدند.

بالا گرفتن مجرای شرکت **ورلد کام**^{۲۳} و شریک تجاری آن، یعنی شرکت **کوئست**^{۲۴} چنان در بازار سرمایه آمریکا تأثیر گذار بود که حتی جمهوری خواهان محافظه کار معتقد به نظام بازار آزاد نظیر **جرج بوش** هم نتوانستند جلوی اقدامات قانونی برای محدود کردن بسیاری از فعالیت‌های این قبیل شرکت‌ها را بگیرند.

ماجراهای این شرکت‌ها چند فصل مشترک شاخص داشت. از جمله آن که همه این‌ها، شرکت‌هایی نوپا و تازه تأسیس بودند که سهام آن‌ها به تازگی وارد بورس شده بود. گزارش‌های مالی آن‌ها عموماً بیانگر وضعیت بسیار جذاب مالی آن‌ها بود. اما فصل مشترک دیگر آن‌ها که شاید کم‌تر به آن توجه شده این است که حساب‌رس مستقل تمام آن‌ها یک مؤسسه حسابرسی مشهور بود؛ آن‌هم **آر تور اندرسون!**

سقوط مالی این شرکت‌ها نه تنها باعث وارد شدن زیان‌های هنگفت به میلیون‌ها نفر از سرمایه‌گذاران در این شرکت‌ها شد، بلکه ترکیدن حباب مالی بازار سهام را نیز در پی داشت. طبیعی بود که در چنین شرایطی بازار سهام، سرمایه‌گذاران، دولت‌ها و حکومت‌ها در اکثر نقاط جهان سرمایه‌داری، نسبت به این رویدادها عکس‌العمل نشان دهند. کم‌تر کسی به این نکته توجه داشت که بخشی از زیان‌های ناشی از تب فراگیر خرید و فروش سهام از طریق اینترنت بوده و تنها بخشی از آن، از تقلب عالمانه و عامدانه مدیران ارشد و سهامداران عمده این شرکت‌ها سرچشمه گرفته است.

تصویب قانون ساربینز - آکسلی

رسوایی‌های مالی مورد اشاره که به نوعی در تاریخ مالی کشور

در این قانون، کمیته حسابرسی یا نهاد مشابه، از میان اعضای هیئت مدیره برای نظارت بر فرایند گزارشگری مالی و حسابداری شرکت و حسابرسی صورت‌های مالی آن تشکیل می‌شود. این قانون توجه خاص به **قانون مبادلات اوراق بهادار سال ۱۹۳۴** داشته و عنوان **مؤسسه حسابدار رسمی ثبت شده**^{۲۴} را جایگزین عنوان **حسابداران رسمی مستقل**^{۲۵} کرده است. قانون در بحث تضاد منافع تا آن جا پیش می‌رود که مقرر می‌دارد که مدیران ارشد مالی شرکت صاحب کار، کنترلر و مسئول ارشد حسابداری آن نباید یک سال قبل از شروع عملیات حسابرسی شرکت، در استخدام مؤسسه حسابرسی مربوط بوده باشند.

نکته با اهمیت دیگر این قانون، منع خرید و فروش اوراق بهادار توسط مدیران شرکت است. مدیران از خرید سهام شرکت در دوران افت قیمت منع شده‌اند؛ به طوری که دارندگان اوراق بهادار شرکت، در این گونه موارد حق شکایت و تقاضای جبران خسارت خواهند داشت. به موجب این قانون پرداخت هر گونه وام به مدیران شرکت منع گردیده و افشای کامل معاملات با اشخاص وابسته و مدیران و سهامداران اصلی در صورت‌های مالی الزامی گشته است. به علاوه، گزارش‌های مالی سالانه شرکت‌ها باید در برگزیده گزارشی در مورد ارزیابی مدیریت شرکت از وضعیت کنترل‌های داخلی آن باشد. چنین گزارشی باید مسئولیت مدیران را در مورد ایجاد و حفظ و ارتقای ساختار مناسب کنترل‌های داخلی در شرکت بیان کند و ارزیابی مدیران از وضعیت کنترل‌های داخلی شرکت را نیز شامل شود. در مقابل، حسابرسان شرکت‌ها نیز موظفند در مورد این اطلاعات اظهار نظر نمایند. ضمن آن که انعقاد توافق‌نامه جداگانه‌ای برای این منظور الزامی نمی‌باشد.

طبق قانون ساربینز-آکسلی، شرکت‌ها موظف به انعکاس و اعلام تغییرات با اهمیت در وضعیت مالی خود ظرف مدت بسیار کوتاه شده‌اند که اصطلاحاً تحت عنوان **افشای به هنگام**^{۲۶} از آن نام برده شده است.

بخش هشتم قانون در مورد پاسخ‌گویی مدیران در زمینه تقلب و خلاف کاری است. به همین مناسبت و با تأکید بر این مهم، از این قانون تحت عنوان **قانون پاسخ‌گویی شرکت‌ها و تقلب‌های جنایی سال ۲۰۰۲** نیز نام برده می‌شود. بر اساس این قسمت، از بین بردن مدارک و جلوگیری از هر گونه رسیدگی‌های قانونی مبادی ذی ربط

مؤسسات حسابرسی مستقل را تحت نظارت قرار داده و استانداردهای حسابداری ویژه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار را تعیین کند. هیئت مورد اشاره از پنج عضو تشکیل شده است که ۲ نفر باید **حسابدار رسمی**^{۲۳} بوده و سه نفر دیگر نباید حسابدار رسمی باشند. یکی از حسابداران رسمی عضو هیئت، رئیس هیئت خواهد بود. این افراد به صورت تمام وقت در خدمت این هیئت بوده و نباید شریک و مدیر مؤسسات حسابرسی و یا حقوق‌بگیر آن‌ها باشند. علاوه بر وظایف عمومی واداری هیئت و همکاری با مراجع حرفه‌ای در زمینه وضع استانداردهای مورد نیاز، این هیئت باید بر فعالیت مؤسسات حسابرسی نظارت و بازرسی داشته و بر حسب مورد در صورت مشاهده تخلف، مجازات‌های متناسب در مورد آن‌ها اعمال کند. مدارک و اطلاعات ارائه شده به این هیئت کاملاً محرمانه بوده و حتی جلسات انضباطی هیئت نیز به صورت غیرعلنی برگزار می‌شود. مؤسسات حسابرسی خارج از آمریکا هم که حسابرسی شرکت‌های تابعه شرکت‌های آمریکایی را بر عهده دارند نیز مشمول این مقررات خواهند بود.

بر اساس قانون یاد شده و تحت شرایط خاص، کمیسیون بورس و اوراق بهادار مجاز به تبیین اصول حسابداری لازم و مورد نیاز در راستای اجرای مفاد این قانون شده است. به علاوه، آن دسته از مؤسسات حسابرسی که برای حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار نزد هیئت ثبت‌نام کرده و وظیفه حسابرسی یک شرکت سهامی را بر عهده دارند، مجاز به ارائه خدماتی از قبیل حسابداری و دفترداری، طراحی و اجرای سیستم‌های حسابداری، خدمات ارزیابی سهام، ارزیابی فنی بیمه‌ای طرح‌های بازنشستگی کارکنان، حسابرسی داخلی، خدمات مدیریتی، کارگزاری اوراق بهادار، ارائه خدمات حقوقی و سایر خدمات حرفه‌ای به صاحب کاران حسابرسی خود نیستند.

طبق بخش ۲۰۳ این قانون، شریک فنی (شریک بررسی کننده پرونده) و شریک هماهنگ کننده حسابرسی نباید بیش از ۵ سال مسئولیت کار یک صاحب کار را بر عهده داشته باشند. مؤسسه حسابرسی موظف است سیاست‌های حسابداری مهم و سیاست‌های حسابداری جایگزین و سایر مباحث مهم قابل طرح با مدیریت صاحب کار را با کمیته حسابرسی مربوط (در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار) در میان بگذارد. بر پایه تعریف ارائه شده

جهانی سازی فشارهای زیادی را بر نحوه کنترل و اداره امور شرکت‌ها در سطح جهان وارد نموده است. با تمام این اوصاف، نظام‌های موجود به سنت‌ها و فلسفه‌بنگاه‌داری خود هنوز هم پایبندند و طبیعتاً کوشش برای القای هنجارهای آمریکایی، مقاومت بنیادین در خارج ایجاد کرده و انتقادهای بسیاری را موجب شده است؛ تا حدی که عنوان می‌شود این قانون و وظائف سنتی مدیران و مفاهیم تجاری قبلی را زیر سوال برده است.

مشخصه اصلی قانون مزبور کنترل و حسابرسی است؛ یعنی ابزارهایی که در تمام کشورها مورد استفاده قرار گرفته و به آن‌ها اتکا می‌شود. با این وجود، حسابرسی و کنترل در عمل به شیوه‌ای کاملاً متفاوت در کشورهای مختلف مورد استفاده قرار گرفته و شکل‌های متفاوتی از انگیزه و محدودیت به وجود می‌آورد. مخالفان این قانون در خارج، بیم دارند که مقررات جدید ارزش‌های موجود را زیر سوال برده و تهدید کند.

با تمام این اوصاف، هماهنگی‌های به عمل آمده تا کنون، از قبیل یکسان‌سازی استانداردها و ضوابط گزارشگری مالی و هم‌چنین استانداردهای حسابرسی در جهت همسان کردن ساختار کلی حاکمیت شرکتی موفق بوده و فضای مناسبی را برای ضوابط جدید به وجود آورده است.

از وجوه اشتراک و تمایز عمده این قانون با مقررات و روش‌های مرسوم در سایر کشورها به ویژه اروپا می‌توان به مواردی که در ادامه می‌آید اشاره کرد.

۱- به موجب این قانون، هیئت نظارت بر حسابداری شرکت‌های سهامی عام باید تشکیل شود. نمونه‌های مشابه این هیئت در بسیاری از کشورهای اروپایی و در دیگر نقاط جهان وجود دارد؛ اما مقررات و قوانین ناظر بر کار چنین نهادهایی یکسان نیست.

۲- قانون مزبور از طریق محدودیت‌های خاص، سعی در ارتقای استقلال حساب‌برسان دارد. وضعیتی مشابه این ضوابط در بسیاری از کشورهای دیگر پیش‌بینی شده است؛ هر چند که عیناً با مقررات قانون مورد بحث منطبق نیست.

۳- چرخش حساب‌برسان که در حد تعویض و تغییر شرکای مسئول کار است و در این قانون پیش‌بینی شده، الزاماً با روش‌های مقرر در کشورهای عضو اتحادیه اروپا منطبق نیست. در برخی از این کشورها اصولاً تغییر حساب‌برس تا چند سال مجاز نیست و بعد از این مدت، تغییر حساب‌برس الزامی

جرم محسوب می‌شود. به علاوه، حساب‌برسان موظف شده اند کلیه مدارک، کار برگ‌ها و سوابق رسیدگی‌های خود را دست‌کم برای مدت ۵ سال نگهداری نمایند. مرور زمان برای رسیدگی به جرائم مربوط نیز ۵ سال تعیین شده است. اشخاصی که قبلاً مرتکب تقلب و یا جرائمی در زمینه اوراق بهادار شده‌اند به موجب این قانون نمی‌توانند به عنوان مدیر شرکت‌های سهامی متسوب شوند.

آثار جهانی قانون

برای بسیاری از مدیران شرکت‌های غیرآمریکایی، مقررات جدید بیگانه، زائد و حتی در تناقض با مقررات جاری کشور مربوط به نظر می‌رسد. با این وجود و با توجه به روند **جهانی سازی**^{۲۸} و ایجاد شرکت‌های فرعی برون‌مرزی توسط مؤسسات آمریکایی و افزایش ارتباطات و وابستگی اقتصاد کشورها، توجه به مقررات جدید در خارج از آمریکا نیز ضروری به نظر می‌رسد. تأمین مالی بسیاری از شرکت‌های خارج از مرزهای آمریکا توسط مؤسسات مالی آمریکایی یا شرکت‌ها و مؤسسات تابعه و وابسته به آن‌ها انجام می‌شود. در نتیجه، مقررات جدید به نوعی به خارج از مرزهای آمریکا نیز صادر شده و تسری یافته است.

این در حالی است که بسیاری از شرکت‌های خارج از مرزهای آمریکا، تحت شرایط فرهنگی متفاوت و یا با برداشت‌های دیگری از مدیریت، نگرشی کاملاً متفاوت نسبت به مفهوم حاکمیت شرکتی دارند.

حتی در بسیاری از موارد و در جزئیات اجرایی، مقررات جدید با ضوابط قانونی محلی در تناقض قرار می‌گیرد؛ به قولی محور اصلی قانون، لیبرالیسم سنتی آمریکایی یعنی دموکراسی سیاسی و سرمایه‌داری اقتصادی مبتنی بر تفکرات انگلوساکسون است. این مفاهیم طبعاً با تفکرات اروپایی (به ویژه آلمانی) در تناقض قرار می‌گیرد. به علاوه برای شرکت‌های آمریکایی یا انگلیسی، هدف اصلی همانا بیشینه‌سازی ثروت و منافع سهامداران است. اما در کشوری مثل آلمان، بقای شرکت کانون اصلی توجه مدیران است؛ حال آن که برای بسیاری از شرکت‌ها در ژاپن تأکید بر شفافیت مدیریت و ارتقای کارایی همراه با در نظر گرفتن مسئولیت اجتماعی است؛ و یا در فرانسه، اصل بر تقویت و ارتقای حاکمیت ملی است که طبیعتاً با تفکر صادراتی آمریکایی سازگار نبوده و این هنجارهای جدید به نوعی تهاجم فرهنگی تلقی می‌شود.

- 6- AOL Time Warner.
- 7- Rite Aid.
- 8- Xerox.
- 9- World com.
- 10- Quest.
- 11- Sarbanes- Oxley Act of 2002.
- 12- Paul Sarbanes.
- 13- Michael Oxley.
- 14- Public Company Accounting Reform and Investor Protection Act.
- 15- Corporate Governance.

واژه Governance که در متن حاکمیت ترجمه شده، معنای گسترده تری داشته و نباید با حاکمیت به معنای Sovereignty اشتباه شود. در ادبیات جامعه شناسی و علوم سیاسی، معادل آن را تمشیت و تدبیر امور قرار داده‌اند. در گفتار مالی و حسابداری راه‌بسیری یا تولیت نیز معادل آن قرار داده شده است. از آن جا که معادل حاکمیت شرکتی برای Corporate Governance در زمینه های حرفه ای بیش تر مورد استفاده قرار گرفته و به نوعی جا افتاده است، بر اساس آرای اخذ شده از صاحب نظران، در این نوشتار نیز از همین واژه استفاده شده است. تأکید حاکمیت شرکتی بر اقتدار، کنترل و تدبیر در نحوه اداره امور شرکت است.

- 16- Chief Financial Officer (CFO).
- 17- Chief Executive Officer (CEO).
- 18- Off - Balance Sheet Transactions.
- 19- Accounting Controls.
- 20- Reporting Controls.
- 21- Public Company Accounting Oversight Board (PCAOB).
- 22- Securities and Exchange Commission (SEC).
- 23- Certified Public Accountant (CPA).
- 24- Registered Public Accounting Firm.
- 25- Independent Public Accountant.
- 26- Real Time Disclosure.
- 27- Corporate and Criminal Fraud Accountability Act of 2002.
- 28- Globalization.
- 29- Generally Accepted Accounting Principles (GAAP).

منابع

- 1- Cunningham, Lawrence A., **Sarbanes-Oxley and All That: Impact Beyond America's Shores**, Speech to the FESE Convention at the Guildhall in London on Thursday , 12th of June 2003.
- 2- Kugel, Robert D., **Sarbanes-Oxley: The Pain Ahead** (Sales Master World, 2004).
- 3- Singer, Mark, **Sarbanes-Oxley: Opportunity Knocks?** (Headlamp Management Limited, 2004).

است. به علاوه، قانون مزبور شرایط جدیدی را در مورد وظایف کمیته های حسابرسی تعریف کرده و مقررات خاصی را نیز در مورد نحوه عمل و استقلال اعضای این کمیته‌ها بیان می‌کند که با مقررات مربوط در سایر کشورها هم‌خوانی ندارد؛ که از آن جمله می‌توان عزل و نصب حسابرسان توسط کمیته مزبور و استقلال اعضای آن را برشمرد.

البته مقررات کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا، انطباق با مقررات محلی را در خصوص این موارد مجاز می‌شمارد؛ به طوری که در خارج از مرزهای آمریکا انتصاب اعضای غیرعضو در هیئت مدیره در کمیته های حسابرسی مجاز بوده و یا عزل و نصب حسابرس کلاً بر عهده مجامع عمومی شرکت‌ها است و یا به جای هیئت نظارت بر حسابداری شرکت‌های سهامی عام می‌توان از هیئتی از حسابرسان استفاده کرد. با این حال، در مواردی و از آن جمله انتشار اوراق بهادار شرکت‌های خارجی در آمریکا، رعایت اصول پذیرفته حسابداری^{۲۹} الزامی است.

طبیعتاً اعمال این ضوابط، چه در داخل مرزهای آمریکا و چه در خارج از مرزهای این کشور، مشکلات اجرایی و هزینه‌های خاص خود را در بر دارد؛ که از آن جمله می‌توان به مخارج اضافی تجدید ساختار شرکت‌ها، استقرار سیستم‌های جدید فناوری اطلاعات به ویژه برای شرکت‌های متوسط و کوچک تر اشاره نمود. ملاحظات منافع و هزینه مربوط ممکن است حتی باعث شود که ساختار شرکت‌های فراملیتی دگرگون شود. این امر موجب بیان انتقادات و اعتراض‌هایی نسبت به این قانون در خود آمریکا نیز شده است.

علی‌رغم جهانی سازی اقتصاد باید به این نکته اذعان کرد که ۹۰ درصد شرکت‌های پذیرفته شده در بازارهای اوراق بهادار آمریکا شرکت‌های آمریکایی هستند و به هر حال نهادهای نظارتی آمریکا پاسخ‌گوی نیازهای قانونی برای حمایت از سرمایه گذاران می‌باشند.

در نتیجه می‌توان چنین پیش‌بینی کرد که به هر حال ابعاد این قانون از مرزهای آمریکا فراتر رفته و بر مقررات مالی سایر کشورها تأثیر خود را خواهد گذاشت.



پی نوشت ها

- 1-Telecommunication.
- 2- Enron.
- 3- Domino.
- 4- Adelphia.
- 5- Tyco.